

انرژی عرصه «بازی بزرگ جدید» در آسیای مرکزی (مطالعه موردی روسیه، آمریکا و چین)

حسین حمیدی نیا^۱

روح اله صالحی دولت آباد^۲

با افزایش وابستگی اقتصادی جهان به منابع انرژی هیدروکربنی، دامنه‌دار شدن تنش‌ها در خاورمیانه و نیز ظهور روسیه به عنوان یک بازیگر اصلی در بازار انرژی جهان، نفت و گاز آسیای مرکزی و مسیرهای انتقال آن به بازارهای مصرف بیش از پیش مورد توجه قدرت‌های بزرگ صنعتی قرار گرفته است. دهه‌ها کشمکش طولانی مدت برای کنترل منابع نفت و گاز طبیعی، زیرساخت و نفوذ منطقه آسیای مرکزی با عنوان "بازی بزرگ جدید" بین اروپا، چین، روسیه و آمریکا مطرح بوده است و هر کدام از قدرت‌ها سعی می‌کردند برای نفوذ بیشتر در منطقه از یکدیگر پیشی بگیرند. در سال‌های پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و با کشف ذخایر عظیم انرژی نفت و گاز در آسیای مرکزی رقابت میان قدرت‌های بزرگ تشدید شد. از یک طرف، روس‌ها با منحصردن تمام مسیرهای صادرات از سرزمین خود، مایلند که نفوذ و کنترل سنتی خود را بر کشورهای تازه استقلال یافته حفظ کنند. از طرف دیگر، آمریکا که به عنوان رقیب جدی در منطقه وارد شده است، طرفدار مسیریایی است که در راستای اهداف درازمدت و علایق ژئوپلیتیک خود در منطقه منجر شود. چین هم با دارا بودن انگیزه‌های قوی برای حضور در آسیای مرکزی به چالش کشیدن سیاست‌های هژمونیک آمریکا و دستیابی به منابع انرژی و بازار بزرگ منطقه، وارد رقابت با سایر رقبای شده است. اگرچه روسیه به عنوان قدرت اصلی در انرژی آسیای مرکزی است، اما حضور بازیگران جدیدی همچون آمریکا و خصوصاً چین و تلاش جمهوری‌های قزاقستان و ترکمنستان برای یافتن راه‌های جایگزین انتقال نفت و گاز منافع روسیه در منطقه را با چالش مواجه کرده است. براین اساس، مولفین این مقاله سوال خود را چنین مطرح می‌کنند که چه کسانی در بازی قدرت برای تسلط بر منابع آسیای مرکزی پیروز خواهند شد؟ فرضیه ما این است که باتوجه به رشد اقتصادی چین و نیاز این کشور به منابع عظیم نفت و گاز و همچنین گسترش روابط پکن با همسایگان آسیای مرکزی، چین در آینده قدرت اصلی در منطقه خواهد بود.

واژگان کلیدی: انرژی، روسیه، چین، آمریکا، ترکمنستان و قزاقستان.

^۱ نویسنده مسئول، استادیار دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، تهران، ایران.

Email:hosseinhamidinia1394@gmail.com

^۲ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

Email:Roohollahsalehi65@gmail.com

مقدمه

خلاً ناشی از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و وجود منابع غنی انرژی در آسیای مرکزی، توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را به این حوزه جلب کرد. از دیدگاه ژئوپلیتیک، قدرت برتر جهان در قرن ۲۱، کشور یا کشورهایی هستند که بر منابع انرژی جهان تسلط کامل داشته باشند چرا که از طرفی نبود چشم انداز روشن برای انرژی‌های جایگزین نفت و گاز و از طرفی ارزانی این مواد سوختی و گرانی دیگر منابع انرژی و همچنین روند رو به رشد تقاضای جهانی انرژی، روز به روز بر اهمیت استراتژیک این منابع در قرن ۲۱ می‌افزاید. حال برای انتقال این منابع هیدروکربنی استراتژیک به مسیرهایی نیاز است که به لحاظ متغیرهای تأثیرگذار نظیر امنیت سرزمین، هزینه انتقال، مسافت خطوط انتقال و وجود زیرساخت‌های لازم برای انتقال انرژی، این امکان را فراهم کنند (اطاعت و نصرتی ۱۳۸۷: ۲). امروزه، تنوع منابع و گوناگونی در دسترسی به انرژی مورد نیاز به بخش مهمی از مؤلفه‌های سیاست‌های جهانی برای تأمین امنیت انرژی تبدیل شده است (Stringer, 2008: 7-11).

در همین ارتباط بازیگران اصلی همچون روسیه، آمریکا و چین با علم به این مطلب که در این ساختار جدید، بنیان قدرت از وجه نظامی به وجه اقتصادی و فناوری، انتقال یافته است و محور دیپلماسی نه صرف تمرکز بر امور و مسائل سیاسی و نظامی، بلکه تمرکز بر مراودات اقتصادی نیز می‌باشد. بسیاری تلاش می‌کنند تا برای تحکیم ارکان مادی هژمونی خود بر اقتصاد جهانی با در پیشگیری الگوی رفتار سیاسی واقع‌گرایانه از انرژی هم به عنوان ابزار اعمال قدرت و نیز هدف قدرت و کسب ثروت بهره‌برداری کنند (فرجی راد و شعبانی، ۱۳۹۲: ۱).

منطقه اوراسیا در قرن جدید به دلیل برخورداری از منابع مهم انرژی و همچنین کنترل بر مسیر ارتباطی شرق و غرب جهان اهمیت ویژه‌ای دارد. در گذشته، سلطه اتحاد جماهیر شوروی فضای مانور چندانی برای آمریکا باقی نمی‌گذاشت، اکنون بار دیگر رقابت‌های ژئوپلیتیک در این منطقه شدت پیدا کرده است (عطایی و شیبانی، ۱۳۹۰: ۱۳۳). از این رو با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، منابع جدید گاز و نفت در آسیای مرکزی به طور ناگهانی در دسترس قدرت‌های خارجی قرار گرفتند. متعاقب آن چند دهه کشمکش برای کنترل بر منابع هیدروکربنی، مسیرهای حمل و نقل و نفوذ بر منطقه که به عنوان "بازی بزرگ

جدید^۱ مطرح بوده، وجود داشته است (Olcott, 2013:1). با توجه به نیازهای انرژی، چین به طور خاص درباره کنترل دریایی آمریکا بر مسیرهای ارتباطی دریایی در تنگه مالاکا^۲، نگران است که از این طریق چین واردات مهمی از نفت و گاز طبیعی دریافت می‌کند. چین در نتیجه به دنبال منابع انرژی است که می‌تواند از طریق زمین به این کشور منتقل شود و این نیاز از طریق منطقه آسیای مرکزی تامین می‌شود. دولت‌های آسیای مرکزی نیز در بیشتر بخش‌ها از چین به عنوان سرمایه‌گذار جدید استقبال کرده‌اند و از آن به عنوان یک وزنه تعادلی در مقابل روسیه استفاده می‌کنند. آمریکا نیز سیاست‌های فشار بر رهبران منطقه را تشدید کرده است تا بتواند در این بازی بر رقبای خود پیروز شود. اگر تمایلات کنونی ادامه یابد به نظر می‌رسد، آمریکا از نظر اقتصادی در منطقه درگیر خواهد شد، نفوذ روسیه همچنان ادامه می‌یابد ولی به مرور زمان کمتر می‌شود در حالی که چین بر قدرت انرژی در آسیای مرکزی مسلط خواهد شد. از طرفی، روسیه تلاش کرده است هم تسلط خود را حفظ کند و هم این دولت‌ها را از منافع و نفوذ دیگر قدرت‌های عمده دور نگه دارد (Stegen & Kuszniir, 2015:1). در این مقاله به منابع انرژی و زیرساخت کشورهای آسیای مرکزی (ترکمنستان و قزاقستان، ازبکستان) پرداخته و اطلاعاتی درباره «بازی بزرگ جدید» ارائه خواهد شد. سپس رویکرد کلی ارائه شده و نگرانی‌های بازیگران بزرگ خارجی همچون حوادث مهم و موافقتنامه‌ها بیان می‌شود. در پایان به روابط انرژی بین بازیگران مهم با هر یک از کشورهای تولید انرژی منطقه اشاره می‌شود. این مقاله با استفاده از فضای مجازی، نشریات و مجلات تخصصی، بر اساس روش توصیفی-تحلیلی نوشته شده است تا تصویر کاملی از بازی بزرگ جدید قدرت‌ها در آسیای مرکزی ارائه دهد.

چارچوب نظری؛

عصر ژئوپلیتیک انرژی

از نظر واقع‌گرایان تهاجمی، روابط بین‌الملل مانند بازی دو راهی زندانیان است. در این دهه از جهانی شدن انطباق ناپذیر بودن اهداف و منافع دولت‌ها، ماهیت رقابت آمیز نظام هرج و مرج زده را بیشتر می‌کند و درگیری‌ها را همانند همکاری اجتناب ناپذیر می‌سازد (بیلیس و

¹. New Great Game

². Malaca

اسمیت، ۱۳۸۳: ۴۲۳-۴۲۲). به باور برخی نظریه پردازان واقع‌گرای تهاجمی، تاریخ نشان می‌دهد، دولت‌ها در شرایطی که به شکل فزاینده ثروتمند می‌شوند به ایجاد ارتش‌های بزرگ روی می‌آورند و به دنبال افزایش نفوذ بین‌المللی خود می‌روند. هنگامی که دولتی قدرتمندتر می‌شود، می‌کوشد نفوذ خود را به حداکثر رسانده و محیط بین‌المللی خود را کنترل نماید. بنابراین دولت‌ها در مواردی که تصور کنند توانمندی نسبی کشور بیشتر شده است، راهبردهای تهاجمی و با هدف پیشینه‌سازی نفوذ را دنبال خواهند کرد. از این رو، هر قدر قدرت دولت و قدرت ملی افزایش پیدا کند به سیاست‌های خارجی توسعه طلبانه تری منجر می‌شود (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۱۳۲). از سال ۱۹۸۹ تاکنون -که به «ژئوپلیتیک پست مدرن» معروف است- اندیشه‌های ژئوپلیتیک شکل گرفته‌اند که به نظر می‌رسد ایده «ژئواکونومی و اصالت اقتصاد در برابر نظامی‌گری» ادوارد لوتواک، بیش از دیگر نظریه‌ها به واقعیت نزدیک است. حتی در نظریه‌های ژئوپلیتیک عصر پست مدرن، نظیر «نظم نوین جهانی»^۱ «نظام تک قطبی»^۲، چندقطبی^۳ «جهانی شدن»^۴ «پایان تاریخ» اقتصاد و مناسبات اقتصادی به نوعی در بطن تمامی اندیشه‌های ژئوپلیتیک عصر پست مدرن نمود آشکاری دارد. به عبارت دیگر، ارائه نظریه‌های ژئوپلیتیک بدون در نظر گرفتن قدرت اقتصادی نمی‌تواند وضعیت ژئوپلیتیک قرن حاضر را تبیین کند. ادوارد لوتواک معتقد است که زوال جنگ سرد در واقع نشان دهنده تغییر مسیر و حرکت نظام جهانی از سوی ژئوپلیتیک به سمت ژئواکونومی می‌باشد (ویسی، ۱۳۸۸: ۹۵). در واقع، این قدرت‌ها هستند که سیاست‌های اقتصادی را در نظام جهانی اعمال و رهبری می‌کنند و برآیند این فرایند ژئواکونومی است که به عنوان پدیده‌ای سیال جهت پوشش دادن به فضای جدید رقابتی در نظام جهانی و روشی برای توجیه و تحلیل سیاست‌های جهانی اکثر قدرت‌های غربی درآمده است (Glassner & fahrer, 2004:271). منابع انرژی به عنوان یکی از مهم‌ترین متغیرهای ژئوپلیتیک در نظام سیاسی کنونی جهان در تعاملات بین‌المللی میان کشورها و نیز انتقال از مکان‌ها و فضاها بدون انرژی یا نیازمند انرژی و نیز کنترل منابع تولید و مسیرهای انتقال انرژی و نیز فناوری و ابزارهای تولید، فناوری و انتقال و حتی مصرف انرژی برای حفظ سیادت جهانی و منطقه‌ای و به چالش کشیدن رقبا در عرصه

^۱. New World Order

^۲. Unipolar

^۳. Multipolar

^۴. Globalization

بین‌المللی، جملگی دارای ابعاد مکانی، فضایی و یا جغرافیایی است و انرژی را به موضوع ژئوپلیتیک مهمی تبدیل نموده است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۰۳). در ساختار نوین اقتصاد سیاسی بین‌الملل انرژی به عنوان پاشنه آشیل بسیاری از مناطق و کشورهای صنعتی جهان است؛ به گونه‌ای که هیچ‌گیزی برای رهایی از وابستگی به آن، دستکم تا چند دهه آینده وجود ندارد (Cornelius & Story, 2007: 10). تأمین امنیت انرژی سبب می‌شود دولت‌های بزرگ صنعتی حتی برپایی جنگ را در دایره گزینه‌های خود بگنجانند (کولایی، ۱۳۸۷: ۵). امروزه خطوط لوله انتقال انرژی در حال تبدیل به یک مؤلفه تجارت جهانی و یکپارچگی بیشتر در تجارت جهانی انرژی هستند و امنیت انرژی یکی از چالش‌های اصلی سیاست خارجی همه کشورها در سال‌های آینده خواهد بود (IEA, 2005:3).

نظریه‌پردازانی همچون کوهن و گیلپین با استناد به نظریه‌هایی چون «ثبات مبتنی بر هژمونی» معتقد بودند از آنجا که یکی از شاخص‌های بنیادین قدرت هژمون در هر عصری، کنترل بر منابع، خطوط و مسیرهای انتقال انرژی است و با توجه به اینکه نفت، انرژی محسوب می‌شود و انرژی، قابل تبدیل به پول است و پول، کنترل می‌آفریند و کنترل نیز قدرت تلقی می‌شود؛ بنابراین استیلا و برتری دولت هژمون، منوط به کنترل بر چهار دسته از منابع است:

(۱) کنترل بر منابع خام جهان و از جمله انرژی؛

(۲) کنترل بر منابع سرمایه‌ای جهان؛

(۳) کنترل بر بازارهای جهان و

(۴) کنترل بر تولید کالاهای با ارزش‌های افزوده بالا (Keohan, 2002:32). با توجه به

این مفروضات این نظریه‌پردازان تصریح می‌کنند که ریشه‌های شکل‌گیری منازعات بین‌المللی در دوران پس از جنگ سرد، دچار یک چرخش اساسی از ایدئولوژی به رقابت بر سر تسخیر منابع طبیعی شده است (Nervins, 2004: 255-256).

منابع انرژی آسیای مرکزی

آسیای مرکزی در چهار راه قاره آسیا، اروپا و منطقه خاورمیانه واقع شده و شامل کشورهای ازبکستان، قزاقستان، قرقیزستان، ترکمنستان و تاجیکستان است. این منطقه با مساحت ۴ میلیون کیلومتر مربع و جمعیتی بالغ بر ۷۵ میلیون نفر، یکی از مناطق مهم از

نظر داشتن حجم عظیم ذخایر نفت است. در کمترین تخمین ۱۷,۲ و در بیشترین ۴۹,۶ میلیارد بشکه ذخایر شناخته شده یا ۵ درصد از کل ذخایر جهانی نفت و ۲۰,۱ تریلیون مترمکعب یا ۱۱ درصد از کل ذخایر جهانی گاز را دارد (BP, 2014). در آسیای مرکزی، کشور قزاقستان با ۳۶,۶ میلیارد بشکه ذخایر اثبات شده نفت (۳,۲ درصد ذخایر جهانی نفت) و تولید ۱/۱۰۶/۰۰۰ بشکه نفت در روز، غنی‌ترین کشور آسیای مرکزی و جزء ۱۰ کشور برتر جهان از نظر حجم ذخایر نفت و گاز است (EIA, 2012). انرژی، موتور حرکت قزاقستان به سوی رشد و توسعه اقتصادی بوده است. قزاقستان از محل کسب درآمدهای نفتی، هم به دنبال انجام اصلاحات در زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی کشور و هم به دنبال جذب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی و ایجاد یک اتحاد راهبردی با همسایگان خود به ویژه چین و روسیه است. حجم سرمایه‌گذاری‌های خارجی در بخش صنعت نفت و گاز این کشور بالغ بر ۳۰ میلیارد دلار است. آمریکا به تنهایی ۲۰ میلیارد دلار در صنعت نفت این کشور سرمایه‌گذاری کرده است (Kaiser & Pulsipher, 2007:1300-1313).

ترکمنستان نیز از تولیدکنندگان بزرگ انرژی بوده و باتوجه به شکاف فزاینده میان میزان تولید نسبت به استفاده داخلی، این کشور نقش اساسی و مهمی را در آینده بازارهای جهانی انرژی، به ویژه در صادرات گاز ایفا خواهد کرد. این کشور با ۷۳۳۰ کیلومتر خطوط لوله انتقال انرژی که ۹۰ درصد ظرفیت آن به انتقال گاز اختصاص یافته است، یکی از کشورهای پیشتاز در عرصه انتقال گاز به خارج از مرزهای بین‌المللی در منطقه است. ذخایر گاز ترکمنستان در نزدیکی آمودریا^۱ در شرق دریای خزر در دو منطقه شاتلیک^۲ و دولت‌آباد-دونمز^۳ واقع شده است. حجم ذخایر گازی حوزه دولت‌آباد به تنهایی ۱,۲ تریلیارد مترمکعب است. تخمین زده می‌شود که ظرفیت تولید آن بیشتر از ۳۰ سال و بیش از ۱۵ میلیارد مترمکعب در سال باشد. براساس آمارهای موجود، ذخایر گازی شناخته شده این کشور ۲,۹ تریلیارد مترمکعب است که البته تا رقم ۴,۵ تریلیارد مترمکعب قابل افزایش است (EIA, 2011). بخشی از صادرات گاز این کشور به بازارهای مصرف در کشورهای چین و ایران و بخشی دیگر نیز از راه شبکه‌های انتقال گاز روسیه به اروپا صادر می‌شود. با

^۱. Amu Darya

^۲. Shatlik

^۳. Dauletabad-Donmez

توجه به نقش و اهمیت انرژی در اقتصاد سیاسی بین‌الملل، روسیه بسیار تلاش می‌کند تا بتواند در صنعت نفت و گاز این کشور سرمایه‌گذاری کرده و از مسیر خود، انرژی‌های فسیلی این کشور را به بازارهای هدف، انتقال دهد (صادقی، ۱۳۹۲: ۹۵). ازبکستان نیز از معدود جمهوری‌های اتحاد جماهیر شوروی است که پس از استقلال در سال ۱۹۹۱ توانسته است در عرصه تولید انرژی، ظرفیت خود را افزایش داده و به موفقیت‌هایی دست یابد. ذخایر شناخته شده نفت این کشور بیش از ۵ میلیارد تن و ذخایر گازی آن ۵,۵ تریلیارد مترمکعب است. لازم به ذکر است که قرقیزستان و تاجیکستان برخلاف سایر جمهوری‌های آسیای مرکزی ذخایر نفتی قابل توجهی ندارند. فقر منابع انرژی در این جمهوری سبب شده که این کشور از واردکنندگان انرژی روسیه، قزاقستان و ازبکستان باشد (EIA, 2012).

بازی بزرگ جدید

منطقه آسیای مرکزی به دلیل موقعیت ژئواستراتژیک و دارا بودن ذخایر انرژی برای آمریکا، روسیه و چین از اهمیت خاصی برخوردار است و پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی با رقابت این قدرت‌ها مواجه بوده است. بر این اساس، طی دو دهه گذشته روسیه، چین، قدرت‌های غربی و برخی قدرت‌های منطقه‌ای به عنوان بازیگران تحولات این منطقه تلاش نموده‌اند که به دلیل منافع و اهداف خاص خود، اتحادها، ائتلاف‌ها و سازمان‌های جدیدی ایجاد نمایند یا اینکه کشورهای همسور را به تشکلهای خاص خود ملحق نمایند (واعظی، ۱۳۹۲: ۱). از آنجا که آمریکا به‌ویژه پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به دلیل ملاحظات گوناگون، قصد ندارد نقاط حساس و استراتژیک آسیای مرکزی را ترک کند و وجود بحران‌ها در منطقه قفقاز و خارج شدن آنها از کنترل روسیه و احتمال از دست رفتن قفقاز شمالی نگرانی‌هایی را برای روسیه ایجاد کرده است. از این رو، ائتلاف با چین به ویژه در قالب سازمان همکاری شانگهای از روش‌های روسیه برای فشار به آمریکا برای کاهش حضور خود و حذف ایده گسترش ناتو به شرق می‌باشد. همچنین روسیه از قدرت‌یابی چین در منطقه متعلق به خود بیمناک است. چین هم با دارا بودن انگیزه‌های قوی برای حضور در آسیای مرکزی به چالش کشیدن سیاست‌های هژمونیک آمریکا و ایده گسترش ناتو، پیشینه تاریخی روابط چین با آسیای مرکزی، قفقاز (جاده ابریشم)، دستیابی به منابع انرژی و بازار بزرگ منطقه، ترس از رشد بنیادگرایی و تهدید استان‌های مسلمان نشین آن همچون

سین کیانگ در عین رقابت- با هر دو بازیگر مهم دیگر نیز شراکت دارد که خواهان ایفای نقش برتر می‌باشد. بطور کلی، واشنگتن با علم به برخی برتری‌ها و مزیت‌های مسکو و پکن در منطقه حساس اوراسیا ترکیبی از سیاست «فشار» و «دعوت» را در قبال آن دو دنبال می‌نماید. چین و روسیه نیز خود را در باشگاه قدرت‌ها می‌بینند و شانه به شانه زدن این بازیگران تداعی کننده قدرتمندی و جهان‌گرایی گذشته آنان می‌باشد (شفیعی، ۱۳۸۸).

در حالی که وجود رقابت میان قدرت‌های عمده بر سر منابع حوزه خزر مسلم است، اما پژوهشگران در تفاسیر خود از بازی بزرگ جدید اختلاف نظر دارند که در این میان چهار نقطه نظر اصلی به دست آمده است. اول، بیشتر پژوهشگران رقابت را در درجه اول بین قدرت بزرگ یا قدرت بزرگتر به طور خاص روسیه، آمریکا و چین می‌بینند. برخی از این پژوهشگران همچنین قدرت‌های بزرگ دیگر مثل اتحادیه اروپا و هند را جزء این رقابت می‌دانند. قرائت دوم این است که این منطقه محل یک بازی نیست، بلکه چند "بازی کوچک" بین سه قدرت بزرگ (آمریکا، روسیه و چین) و قدرت‌های دیگر مثل اتحادیه اروپا، هند، ژاپن و کره جنوبی وجود دارد (Pradetto, 2012). پژوهشگران دیگر معتقد هستند که پویایی‌های قدرت در آسیای مرکزی نه شبیه یک بازی بزرگ و نه شبیه بازی‌های کوچک است، بلکه یک مبارزه برای ایجاد موازنه قدرت توسط بازیگران منطقه‌ای است (Kubicek, 2013: 171-180). چهارم، برخی پژوهشگران معتقد هستند که یک کشور نباید قدرت‌های دیگر را در منطقه محدود کند، بلکه باید سازمان‌های بین‌المللی و شرکت‌های چندملیتی نیز در این منطقه حضور داشته باشند. در نتیجه، بیان قدرت برای رسیدن به دسترسی بیشتر به منابع و جایی که در آن قرار دارند، آنها را قادر ساخته تا نفوذ به دست آورند (Standish, 2014). امروزه در تجارت جهانی نفت و گاز کالایی با اهمیت راهبردی هستند؛ زیرا بدون شک، رشد سریع اقتصادی در مناطق و کشورهایی چون چین و هند در آسیا، آمریکای شمالی و اروپای غربی به این کالای بسیار گرانبها بستگی دارد. به همین دلیل، نوسان‌های تولید این کالای راهبردی در بازارهای تجاری چه در کوتاه مدت و چه در بلندمدت، می‌تواند اقتصاد جهانی را با چالش روبه رو کند. در این میان، ذخایر و منابع انرژی آسیای مرکزی و حوزه دریای خزر از جمله منابع راهبردی هستند که درهای خود را به سوی بازارهای مصرف در تعامل‌های اقتصاد سیاسی جهانی انرژی گشوده و رقابت بر سر به دست آوردن و کنترل بر این منابع از سرگیری بازی بزرگ را در روابط قدرت‌های بزرگ در این منطقه، یادآوری می‌کند (Estrada, 2006: 3778).

در مجموع، همه این بازیگران مهم - چین، روسیه و آمریکا - که منطقه را پوشش داده‌اند برای مشارکت و نفوذ در طرح‌های بالادستی دریای خزر یعنی مسیرهای کنترل نشده خطلوله صادرات، علاقه‌مند هستند. آنها همچنین به دنبال اهداف سیاسی نیز هستند. روسیه به دنبال ادغام مجدد منطقه است و آمریکا برای اصلاحات سیاسی فشار وارد می‌کند. با این حال، روسیه و آمریکا هر دو به دنبال این هستند تا نفوذ دیگری را کاهش دهند. از طرفی برای رهبران آسیای مرکزی، منافع اقتصادی چین با رویکرد غیر مداخله‌ای ترکیب شده است که هم یک جایگزین است و هم یک وزنه تعادل را فراهم می‌کند (Stegen, 2015).

روسیه هژمون اصلی انرژی در آسیای مرکزی

روسیه به عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده گاز و دومین تولیدکننده نفت در جهان از جمله کنشگران نافذی است که نقش و اهمیت انرژی حوزه آسیای مرکزی را به خوبی دریافته است و با درک این مطلب که اقتصادهای بزرگ صنعتی جهان به منابع انرژی روسیه و دریای خزر وابسته هستند، روس‌ها تلاش می‌کنند با سرمایه‌گذاری بلندمدت در بخش‌های بالادستی و پایین‌دستی صنایع نفت و گاز کشورهای منطقه، افزایش ظرفیت تولید و بهره‌گیری از ذخایر فراوان انرژی هیدروکربنی و نیز سلطه بر شاهراه‌های خطوط انتقال انرژی کشورهای منطقه از منابع انرژی دریای خزر به عنوان ابزاری برای افزایش ثروت ملی و نیز پیشبرد اهداف سیاست خارجی خود بهره‌برداری مطلوب را به عمل آورند (Correlge, and coby, 2006: 533). برای روسیه، آسیای مرکزی قلمرو انحصاری نفوذ، حیات خلوت^۱ و حوزه منافع ملی آن است و تلاش می‌کند تا آنجا که ممکن است کشورهای دیگر وارد ترتیبات، ساز و کارها و توافقاتی آن نشوند. برای روسیه اوراسیا معنا و مفهوم خاصی دارد. از نگاه کرملین، کشورهای این منطقه جدا شده از شوروی، قلمرو اعمال آیین مونرو روسی هستند و "خارج نزدیک"^۲ به حساب می‌آیند (امیراحمدیان، ۱۳۸۳: ۷۶).

با توجه به محصور بودن آسیای مرکزی در خشکی، روسیه می‌تواند نقش مهمی در انتقال منابع انرژی از کشورهای آسیای مرکزی به بازارهای جهانی به ویژه اتحادیه اروپا بازی کند. در این زمینه شرکت‌های بزرگ روسیه در سراسر آسیای مرکزی فعال هستند تا هر چه بیشتر

^۱. Back Yard

^۲. Near Abroad

بتوانند کنترل این منابع را در اختیار داشته باشند و از این اهرم برای فشار به سایر کشورها استفاده کنند. هدف روسیه در چارچوب آیین سیاست انرژی، بازیابی نقش ابرقدرتی خود در نظام بین‌الملل با استفاده از منابع انرژی است. روسیه در پی آن است که با توسعه زیرساخت‌های صادراتی در قلمرو خود وابستگی خود را به انتقال انرژی از دیگر کشورها کاهش دهد. هدف استراتژیک روسیه کنترل صادرات انرژی از کشورهای آسیای مرکزی به بازارهای بین‌المللی برای بازسازی جایگاه ابرقدرتی خود است (گودرزی و صالحی، ۱۳۹۲: ۱۰۵-۱۱۳). روسیه در پی حفظ نفوذ خود در انتقال انرژی از منطقه و بهره‌برداری از مزایای آن است. انرژی یکی از اهرم‌هایی است که روسیه برای حفظ نفوذ خود در آسیای مرکزی و دیگر کشورهای مستقل همسود به کار گرفته است. روسیه می‌کوشد در کنار پیگیری اهداف خود در مورد مسائل مربوط به رژیم حقوقی دریای خزر در قراردادهای بهره‌برداری از نفت حوزه خزر نیز مشارکت داشته باشد. روسیه برای حفظ رقابت رو به رشد غرب و چین در آسیای مرکزی، قیمت خرید انرژی از کشورهای ترکمنستان، قزاقستان و ازبکستان را افزایش داده است. این عمل با هدف جلوگیری از ساخت خطلوله ماورای دریای خزر به وسیله آمریکا و اتحادیه اروپا است. روسیه با افزایش قیمت انرژی در کشورهای آسیای مرکزی، موجب بالا رفتن قیمت انرژی برای کشورهای مصرف‌کننده در اروپا با هدف جبران هزینه‌های اضافه شده توسط شرکت گازپروم^۱، بزرگترین شرکت گاز روسیه شده است (کولایی و اله مرادی، ۱۳۹۰: ۴۲).

در میان کشورهای آسیای مرکزی، ترکمنستان اولویت اصلی را برای قدرت‌های بزرگ دارد (کولایی و عزیززی، ۱۳۸۹: ۱۲۵-۱۰۵). صادرات گاز ترکمنستان برای روسیه نه تنها به دلایل ژئوپلیتیک اهمیت دارد، بلکه ذخایر گاز این جمهوری صادرات بلندمدت روسیه را نیز تضمین می‌کند. این مسئله به شرکت گازپروم روسیه اجازه می‌دهد، حوزه‌های پرهزینه دریایی خود در اقیانوس منجمد شمالی، اروپای شمالی و سیبری غربی را در آینده توسعه دهد. از دیگر نتایج این اقدام‌ها، افزایش تأثیر روسیه در منطقه، بازیابی موقعیت ویژه آن و استفاده از اختلاف‌های ایران و آمریکا در جهت تقویت منافع خود در منطقه است (Overland, 2009:12). به همین خاطر، روسیه کنترل بیشتر نفت و گاز و خط لوله‌های ترکمنستان را در دست دارد. بدون گاز ترکمنستان روسیه نمی‌تواند، تعهدهای لازم

^۱. Gazprom

را برای صادرات گسترده گاز به کشورهای اروپایی انجام دهد. شرکت گازپروم در حدود ۸۰ درصد از مجموعه صادرات گاز ترکمنستان را سالانه در مرز به روسیه تحویل می‌دهد و این کشور گاز ترکمنستان را برای مصرف داخلی یا برای فروش به کشورهای اروپایی و اوکراین خریداری می‌کند. دیدار ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه در سال ۲۰۰۷ از قزاقستان و ترکمنستان، تمایل کرملین را برای ایجاد یک کارتل گاز طبیعی در منطقه و حفظ انحصار خود در تأمین گاز اروپا آشکار کرد. علاوه بر این با وجود منابع گسترده داخلی نفت و گاز ممکن است روسیه به کمبود مصرف داخلی، دست‌کم در زمینه منابع گاز روبه‌رو شود. زیرا بسیاری از منابع روسیه در مناطق دورافتاده هستند و به سرمایه‌گذاری‌های سنگین نیاز دارند. به همین دلیل گاز ترکمنستان برای روسیه اهمیت یافته است (Mankoff, 2009: 16). در ۲۰۰۳، گازپروم یک توافقنامه ۲۵ ساله امضاء کرد که طی آن واردات گاز از ترکمنستان از ۵ به ۶ میلیارد مترمکعب در ۲۰۰۴ به ۷۰ تا ۸۰ میلیارد مترمکعب تا سال ۲۰۲۸ افزایش می‌یابد. به هر حال، روسیه تحت این توافق هرگز بیش از ۴۵ میلیارد مترمکعب گاز دریافت نکرد، که بخشی از آن به خاطر محدودیت‌های به وجود آمده توسط خط لوله مرکز- آسیای مرکزی بود (Socor, 2009).

از سوی دیگر، سیاستگذاران عرصه دیپلماسی انرژی ترکمنستان نیز در راهبرد بلندمدت خود، برای رهایی از سلطه روسیه، ضمن تداوم همکاری با این کشور، راه تعامل با قدرت‌های فرامنطقه‌ای را گزینه‌ای مناسب تشخیص داده و از این رهگذر، ضمن درگیر کردن شرکت‌های بزرگ نفتی غربی در صنایع نفت و گاز خود، موافقت آمریکا را نیز برای جلب مشارکت کشورهای چین و ترکیه و جمهوری آذربایجان جهت متنوع ساختن مسیرهای انتقال انرژی این کشور به بازارهای جهانی فراهم کرده‌اند. ترکمنستان در راهبرد انرژی خود همواره در پی آن است که افزون بر مسیر روسیه، مسیرهای جدیدتر، کم‌هزینه‌تر و کم‌خطری را شناسایی و انتخاب کند. برای رسیدن به این هدف، بخشی از صادرات گاز این کشور به بازارهای کشورهای چین و ایران و بخشی دیگر نیز از راه خطوط لوله شبکه‌های انتقال گاز روسیه به اروپا صادر می‌شود (صادقی، ۱۳۹۲: ۱۰۶). روسیه برای تسلط بر انرژی منطقه حتی با ساخت خط لوله ۳۰۰ کیلومتری ترانس-کاسپین^۱ که از دریای خزر عبور خواهد کرد و اجازه می‌دهد تا دولت‌های شرقی خزر آسانتر به بازارهای غربی دسترسی پیدا

^۱. Trans-Caspian

کنند، مخالفت کرده است (Stegen and Kuszniir, 2015: 7). روسیه منافع ژئوپلیتیک بزرگی در منطقه دارد که بخشی از عرصه نفوذ تاریخی‌اش است. اهداف فراگیر روسیه در برابر کشورهای آسیای مرکزی عبارت هستند از:

۱- حفاظت از خاک روسیه در مقابل عوامل بی‌ثباتی بالقوه ناشی از منطقه،

۲- محافظت از جمعیت‌های روس تبار منطقه،

۳- به دست آوردن کنترل بیشتر بر تولید و انتقال انرژی از تولیدکنندگان منطقه‌ای به

بازارهای بین‌المللی،

۴- محدود کردن نفوذ بازیگران خارجی مثل چین و آمریکا در منطقه

(Bergsager, 2012).

برای رسیدن به این اهداف، روسیه یک رویکرد چندجانبه‌ای، شامل ایجاد سازوکارهای تعاونی اقتصادی و موسسات در کنار فشار اقتصادی و سیاسی همچون دست کاری قیمت در معاملات نفت و گاز را به کار گرفته است (Urting & Overland, 2011: 74-80).

همکاری‌های انرژی روسیه با قزاقستان نیز به گونه‌ای پایدار در حال گسترش است. با افزایش تولید نفت توسط کنسرسیوم خط لوله دریای خزر از تنگیز^۱ در قزاقستان در پایانه صادرات در بندر نووروسیوسک^۲ (روسیه) نفت به دریای سیاه^۳ صادر می‌شود (Bara, 2007: 128). مسائل انرژی که در کانون روابط روسیه و قزاقستان قرار دارد از دو جنبه سبب افزایش اهمیت این موضوع شده است. یکی حمل و نقل گاز قزاقستان از راه روسیه و دیگری توسعه همکاری دو کشور در سه میدان نفتی دریای خزر است. از طرفی، قزاقستان برای استقلال از روسیه از خط لوله باکو -تفلیس- جیحان^۴ حمایت کرده و نیز آماده همکاری با چین و ایران است. حساسیت روسیه نسبت به پیوستن این کشور به خط لوله باکو- تفلیس -جیحان بیشتر است، زیرا روسیه نگران کاهش ظرفیت خط لوله کنسرسیوم دریای خزر است که در امتداد میدان‌های نفتی قزاقستان در میان معدن تنگیز و بندر نووروسیوسک در ساحل دریای سیاه است. این مسیر که مهم‌ترین خروجی نفت از قزاقستان به روسیه است، می‌تواند ۷۰۰/۰۰۰ بشکه نفت را در روز انتقال دهد. قزاقستان

¹. Tengiz

². Novorossiysk

³. Black Sea

⁴. Baku-Tbilisi-Ceyhan

مهم‌ترین کشور هم از لحاظ اقتصادی و هم سیاسی از جمله داشتن تأسیسات صنعتی و آزمایش سلاح‌های هسته‌ای، ایستگاه پرتاب ماهواره‌ای بایکو نور و نیز بزرگترین تولیدکننده نفت در میان کشورهای آسیای مرکزی است (Stina, 2009: 8).

دو کشور همچنین در بخش پایین دستی دریای خزر همکاری می‌کنند: روسیه پالایشگاه‌های قزاقستان را با نفت خام و مقدار قابل توجهی از تولیدات نفت فراهم می‌کند. علاوه بر این، شرکت‌های روسیه در اکتشاف میدان‌های دریایی نفت و گاز مشارکت دارند. برای مثال، لوک اویل^۱، شرکت نفت روسیه ۱۰ درصد از سهم تولید کل نفت خام قزاقستان را دارد. به هر حال، حضور روسیه در بخش انرژی قزاقستان محدود شده است. زیرساخت خط لوله نفت فعلی روسیه نمی‌تواند ظرفیت اضافی برای حمل تولید نفت مازاد قزاقستان فراهم کند. با این حال، سیستم گاز آسیای مرکزی نیاز دارد تا به روز و توسعه یابد قبل از اینکه بتواند صادرات بیشتری از قزاقستان را انجام دهد (Norling, 2014). گاز طبیعی ازبکستان نیز به دلیل صادرات گاز روسیه به اوکراین، موضوع مورد بحث شرکت‌های گازپروم و لوک اویل با ازبکستان برای سرمایه‌گذاری بوده است (Smith, 2006: 7-9). شرکت گازپروم در سال ۲۰۰۲ با شرکت ازبکی نفت و گاز برای همکاری تجاری در صنعت گاز و صادرات گاز ازبکستان تا سال ۲۰۱۲ توافقنامه استراتژیکی را امضا کرد. آنها در سپتامبر ۲۰۰۵ هم موافقتنامه‌ای برای انتقال گاز ترکمنستان از خط لوله بخارا - اورال^۲ از لوله‌های ازبکستان امضا کردند (Gasprom, 2008). برای روسیه قراردادهای طولانی مدت برای خرید گاز ازبکستان اهمیت زیادی دارد زیرا کاهش حجم تولید گاز در این کشور، موجب آسیب به تعهدهای صادرات گاز به اروپا می‌شود. در ۵ فوریه ۲۰۰۷ روسیه و ازبکستان موافقتنامه‌ای را که شامل ۵ دوره اکتشاف مشترک و ۳۶ سال برنامه توسعه مشترک در جنوب غربی ازبکستان است، امضا کردند. همچنین شرکت لوک اویل برای کمک مالی و توسعه طرح‌های گاز ازبکستان، ۱,۲۸ میلیارد در سال ۲۰۰۹ از گازپروم بانک وام گرفت (Uzbekistan: Russian For Gas .Development, 2009: 1).

^۱. Lukoil

^۲. Bukhara – Urals

آمریکا

از آنجا که در دوران پس از جنگ سرد، منطقه آسیای مرکزی نقش صفحه شطرنج را برای کُنشگران صحنه سیاست بین‌الملل ایفا نموده است، آمریکا به عنوان یک قدرت هژمون جهانی و اثرگذار در اقتصاد سیاسی بین‌الملل و معادلات قدرت منطقه‌ای با این پیش فرض که جهان در قرن بیست و یکم شاهد کشمکش بر سر دستیابی به منابع انرژی خواهد بود، برای تثبیت هژمونی خود در این منطقه از جهان، قدم در عرصه بازیگری نهاده و تلاش گسترده‌ای را برای تأمین امنیت انرژی و تسلط بر منابع انرژی آسیای مرکزی آغاز نموده است (فرجی راد و شعبانی، ۱۳۹۲: ۱۳). کشورهای غربی و به خصوص آمریکا به شدت نگران افزایش وابستگی خود به نفت و گاز وارداتی به خصوص از خاورمیانه هستند (Luft, 2005: 1). به همین خاطر، دنبال راهکارهایی هستند که از میزان وابستگی خود به منابع نفت خاورمیانه بکاهند. یکی از گزینه‌های پیش روی کشورهای غربی که در راستای سیاست «متنوع سازی» مناطق تأمین انرژی در اولویت قرار دارد، تلاش برای ورود به بازار انرژی آسیای مرکزی است (ترابی، ۱۳۹۲: ۱۶۶).

درگیر شدن آمریکا در انرژی آسیای مرکزی به اوایل دهه ۹۰ میلادی بازمی‌گردد، زمانی که شرکت‌های انرژی آمریکا به بهره‌برداری از منابع جدید نفت غیر اوپک علاقه‌مند شدند و دولت آمریکا تشخیص داد که با حمایت از دور زدن خط لوله‌ها می‌تواند نفوذ روسیه و ایران را کاهش دهد. بهترین مثال حمایت شدید دولت آمریکا از خط لوله باکو-تفلیس-جیحان است. دیپلمات‌های آمریکایی همچنین به طور فعال از اتحادیه اروپا برای به دست آوردن گاز از طریق کریدور گاز جنوب حمایت کرده‌اند. به طور خاص در پایان دهه اول قرن بیست و یکم، آنها شدیداً جمهوری آذربایجان را تشویق کردند تا گاز خود را از طریق خط لوله نابکو^۱ به اروپا انتقال دهد و در آخر از طرح گاز فرآتلانتیک حمایت کردند (Nanay & Stegen, 2012: 343-357). به رغم این منافع به هر حال، آمریکا تنها بازیگر مهم خارجی بدون یک "سازوکار مشورتی منظم" در منطقه است (Starr, 2014: 6).

در سال ۲۰۱۱، دولت آمریکا در راستای نفوذ در منطقه ابتکار "جاده ابریشم جدید"^۲ را اعلام کرد که برخی امیدوار هستند این طرح همکاری ترانزیتی و اقتصادی منطقه‌ای بین

^۱. Nabucco

^۲. New Silk Road

جنوب و آسیای مرکزی را بهبود خواهد بخشید و ثبات منطقه را پس از خروج نیروهای آمریکایی و ناتو از افغانستان افزایش خواهد داد (US Department of State, 2014). برای درک جاده ابریشم جدید، دولت آمریکا چند طرح زیرساختی خیلی مهم، شامل خط راه آهن از افغانستان به ترکمنستان و تاجیکستان، یک شبکه برق منطقه‌ای و خط لوله گاز طولانی ۱۷۳۵ کیلومتری ترکمنستان-افغانستان-پاکستان-هندوستان^۱ (تاپی) را تعیین کرد که خاک روسیه را دور خواهد زد. به گفته مقامات آمریکایی، این خط لوله به طور خاص مهم است زیرا این طرح درآمد ترانزیتی برای افغانستان، پاکستان و افغانستان فراهم خواهد کرد و افغانستان را به بازارهای جهانی وصل می‌کند. دولت آمریکا همچنین امیدوار است که خط لوله تاپی تحقق خط لوله گاز ایران-پاکستان-هند را متوقف خواهد کرد (Mankoff, 2013). قزاقستان یکی از کشورهای است که در سیاست خارجی آمریکا نقش مهم بازی می‌کند. تاریخ حضور شرکت‌های نفت آمریکا در قزاقستان به دوران شوروی باز می‌گردد، زمانی که شرکت شورون^۲ دعوت شده بود تا به توسعه میدان‌های سخت کمک کند.

شورون هنوز هم حضور مهمی در قزاقستان دارد، ۵۰ درصد سهم تنگیز شورویل، میدان بزرگ نفتی تنگیز را عملیاتی می‌کند و ۱۵ درصد سهم کنسرسیوم خط لوله کاسپین را در اختیار دارد (US Energy Information Agency, 2013). اکسون موبیل^۳ و کونوکوفیلیپس^۴ هر دو عضو کنسرسیوم شرکت عملیاتی کاسپین شمالی هستند که در حال توسعه میدان نفت دریایی کاشگان^۵ هستند. وقتی قزاقستان قوانین خود را در ۲۰۰۷ تغییر داد؛ اجازه مذاکره برای قرارداد مجدد را می‌داد و هر دو شرکت مجبور بودند تا سهام خود را تحویل دهند (Daly, 2014). بنابه گزارش‌ها به دلیل هزینه‌های بالا و تاخیر طولانی در ارتباط با طرح در جولای ۲۰۱۳، کونوکوفیلیپس باقی مانده سهام خود را به دولت قزاقستان فروخت (Helman, 2012). آمریکا در راستای تثبیت هژمونی خود در آسیای مرکزی، سیاست دوگانه‌ای را به اجرا گذاشته است. از یک سو با اعمال نفوذ در میان کشورهای منطقه و نیز بهره‌گیری از ابزار تحریم‌های بین‌المللی، مانع سرمایه‌گذاری در بخش صنایع نفت

¹. Turkmenistan-Afghanistan-Pakistan-India

². Chevron

³. Exxon Mobil

⁴. Conocophillips

⁵. Kashagan

و گاز و نیز عبور خطوط لوله انتقال انرژی‌های غیرهمسو و همچنین پیوستن خطوط لوله انتقال انرژی منطقه می‌شود. از سوی دیگر برای توسعه زیرساخت‌های صنایع نفت و گاز کشورهای منطقه به طور مستقیم سرمایه‌گذاری می‌کند که از جمله می‌توان به سرمایه‌گذاری ۲۰ میلیارد دلاری این کشور در بخش صنعت نفت قزاقستان اشاره کرد (Rywkan, 2005).

ترکمنستان نیز در اهداف سیاست خارجی آمریکا جایگاه ویژه‌ای دارد. به خاطر ثبت مشکلات حقوق بشری، آمریکا پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی موضع تندی علیه ترکمنستان گرفت. آمریکا ابتدا استقلال ترکمنستان را به رسمیت نشناخت و در سپتامبر ۱۹۹۳، اعتبارات تجاری را در اعتراض به بازداشت چهار فعال حقوق بشری در این کشور قطع کرد. به هر حال، رویکرد آمریکا نرم شد و استراتژی و منافع اقتصادی آمریکا بیشتر آشکار شد. به عبارت دیگر، ترکمنستان می‌توانست یک نقش مهمی در کاهش وابستگی اروپا به گاز طبیعی روسیه بازی کند و از طرف دیگر، آمریکا می‌ترسید که ترکمنستان به شریک مهم انرژی برای ایران تبدیل شود. در نتیجه در ۱۹۹۳، آمریکا به ترکمنستان اجازه داد وضعیت تجارت دلخواه خود را ایجاد کند (International Business Publications, 2009: 223). به رغم این تنش‌های درون دولتی، هر دو شرکت آمریکایی شورون و اکسون موبیل به منابع ترکمنستان ابراز علاقه کرده‌اند (Bhutta, 2013). به هر حال، شرکت‌های آمریکایی دو مانع بر سر راه دارند. اول، دولت آمریکا درباره پاسخگویی دموکراتیک محدودیت‌های مکانی در عمق رابطه بخش خصوصی - دولتی نگران است (O'Neil, 2014: 3). از طرف دیگر، دولت آمریکا در مورد حمایت تجاری آمریکا در ترکمنستان محتاط است که سبب می‌شود تا کار برای شرکت‌های آمریکایی در رقابت با شرکت‌های با حمایت قوی دولتی از جمله رقبای چینی‌شان دشوار باشد. دوم، قراردادهای گازی طولانی مدت ترکمنستان با روسیه و چین تمام منابع گاز در دسترس کنونی را پوشش می‌دهد (Stegen, 2015).

چین

کشور چین با این پیش فرض که میان قدرتهای بزرگ و از جمله روسیه، آمریکا و اتحادیه اروپا بر سر کنترل منابع انرژی به عنوان قدرت نرم، رقابتی سخت آغاز شده است که در آن بُرد یکی مساوی با باخت دیگری است، پا به عرصه رقابت بر سر منابع انرژی آسیای مرکزی گذاشته است. در این تصویر هر آنچه را که چین در این رقابت و

بازی بزرگ به دست آورد، مساوی با باخت طرف مقابل تلقی شده که برعکس آن نیز صادق است (US Department of Defence, 2007: 22).

به واسطه رشد سریع تقاضا برای انرژی در چین، دولت این کشور در تلاش است تا راهی برای دستیابی به منابع انرژی حوزه آسیای مرکزی بیابد. در همین چارچوب، برنامه انرژی چین در سال ۲۰۰۰ در کنگره ملی خلق چین اعلام شد. تمرکز اصلی این برنامه بر ساختن یک شبکه ۴۲۰۰ کیلومتری خطوط انتقال نفت و گاز از استان سین‌کیانگ به سواحل شرقی و شانگهای است (Kreft, 2006: 116-120). چین با مرزی مشترک به طول ۳۷۰۰ کیلومتر با کشورهای قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان برای جست و جوی انرژی و نیز توسعه نفوذ خود در این منطقه، صدها میلیون دلار سرمایه‌گذاری نموده است. در این راستا، مقامات چینی برای مشارکت در طرح‌های بزرگ انرژی، طرح‌های قابل ملاحظه‌ای را برای انتقال نفت و گاز قزاقستان و ترکمنستان به چین به کشورهای مذکور پیشنهاد نموده‌اند (Truscot, 2009: 6). چین از سال ۲۰۰۰ منبع تقریباً ۴۰ درصد از رشد تقاضای نفت جهانی بوده است. برخی از منابع چینی برآورد کرده‌اند که تا سال ۲۰۲۰، چین سالانه بیش از ۵۰۰ میلیون تن نفت وارد خواهد کرد. همچنین تا سال ۲۰۲۵ میزان واردات نفت چین از مجموع واردات کشورهای اروپایی بیشتر خواهد شد (Cheng, 2008: 297). چین در ماه دسامبر ۲۰۱۴ برای اولین بار رکورد واردات نفت را شکست و روزانه ۷ میلیون بشکه نفت برای اقتصاد در حال رشد خود وارد کرد، در حالی که در دسامبر ۲۰۱۳، حدود ۶٫۲ میلیون بشکه در روز وارد کرده بود (Financial Times, 2015).

این عوامل چین را بر آن داشته تا با توجه به منابع غنی انرژی آسیای مرکزی، این منطقه را به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع تأمین انرژی مورد نیاز خود مورد توجه قرار دهد (Koolae and Tishehyar, 2009: 3-7). به همین خاطر، چین در اندک زمانی به مهم‌ترین بازیگر در معادلات انرژی آسیای مرکزی تبدیل شده و توانسته با سرمایه‌گذاری‌های گسترده بخش مهمی از منابع انرژی منطقه را به سوی بازار مصرف خود که بزرگترین بازار بزرگ مصرف در جهان است سوق دهد. چین در این منطقه شبکه‌ای از خطوط لوله نفت و گاز ایجاد کرده است، شبکه‌ای که ژئواکونومی منطقه را تغییر داده است. در این چارچوب اولین خط لوله فراملی که چین احداث کرد، خط لوله نفت

چین- قزاقستان^۱ است (امیراحمدیان و صالحی، ۱۳۹۲: ۱۳). این خط که ۲۲۰۰ کیلومتر طول دارد منابع نفت قزاقستان در سواحل دریای خزر و سایر منابع نفتی این کشور را به آلاشانکو^۲ در مرز چین و قزاقستان انتقال می‌دهد. این خط لوله چین را قادر می‌سازد تا به طور مستقیم و بدون واسطه روسیه از آسیای مرکزی نفت وارد کند. به علاوه، این خط لوله به چین امکان می‌دهد تا به منابع انرژی روسیه در غرب سیبری نیز متصل شود (Blank, 2010:10-12).

طی سفر شی جینگ پینگ^۳، رئیس‌جمهور چین به آسیای مرکزی در سپتامبر ۲۰۱۳، چین و قزاقستان بیش از ۲۰ قرارداد انرژی به ارزش ۳۰ میلیارد دلار امضا کردند و شرکت ملی نفت چین^۴ ۸٫۳ درصد طرح دریایی کاشگان را به دست آورد. این اولین و بزرگترین مالکیت دریایی چین در حوزه دریای خزر است و به چین کمک خواهد کرد خط لوله چین- قزاقستان را پر کند. در سال ۲۰۰۵، دولت قزاقستان به شرکت ملی نفت چین فشار آورد تا برای شرکت پتروکاز^۵ پیش پرداخت دهد و سپس یک سوم سهام خود را به شرکت کازموناغاز^۶ بفروشد (Garrison and Abdurahmonov, 2011: 381-405).

استراتژی انرژی چین در جهت آسیای مرکزی عمدتاً سه بعد دارد. اول، تاسیس روابط طولانی مدت انرژی با منطقه از طریق ادغام اقتصادی و توسعه روابط تجاری، دوم، ساخت خط لوله‌های مستقیم حامل نفت و گاز از کشورهای تولیدکننده در منطقه به چین و سوم، کاهش نقش کشورهای فرامنطقه‌ای حریص در دولت‌های آسیای مرکزی است (Nandakumar, 2009:103-104). چین اکنون به مهم‌ترین خریدار انرژی منطقه و همچنین به مهم‌ترین منبع تامین مالی پروژه‌های نفت و گاز در کشورهای آسیای مرکزی تبدیل شده است. در سال ۲۰۰۹ چین وام ۳ میلیارد دلاری را برای توسعه یکی از میادین گازی به دولت ترکمنستان پرداخت کرد و در سال ۲۰۱۰ نیز وام ۱۰ میلیارد دلاری به قزاقستان پرداخت کرد، وامی که در آینده باید از محل فروش نفت قزاقستان به چین بازپرداخت شود. علاوه بر این، چین برنامه‌های گسترده‌ای برای افزایش تعامل با کشورهای

¹. China-Kazakhstan oil pipeline

². Alashankou

³. Xi Jinping

⁴. China National Petroleum Corporation

⁵. PetroKaz

⁶. KazMunayGaz

این منطقه در آینده دارد، برنامه‌هایی که نماد آن احداث چند خط لوله جدید در یک دهه آینده برای انتقال انرژی این منطقه به بازار چین است. به علاوه، دولت چین برنامه‌ای را برای تبدیل کردن سین‌کیانگ^۱ به کانون انرژی منطقه تهیه کرده است، برنامه‌ای که حدود ۱۰۰ میلیارد یوان^۲ برای اجرای آن هزینه خواهد شد (Petersen, 2011:39-45).

کشف میدان عظیم نفتی کاشغان در قزاقستان چین را ترغیب به حضور در منطقه دریای خزر کرده است. این میدان نفتی که در شمال دریای خزر قرار دارد، یکی از بزرگترین میادین نفتی در جهان است. در این زمینه، خط لوله ۶۱۳ مایلی به قطر ۸۱۳ میلی‌متر و ظرفیت انتقال ۲۰۰ هزار بشکه نفت در روز از آتاسو^۳ در شمال غرب قزاقستان به آلاشانکو در شمال غرب منطقه سین‌کیانگ در چین با سرمایه ۷۰۰ میلیون دلاری از مه ۲۰۰۶ آغاز به کار کرده است. هدف اصلی آن است که این خط لوله تا شانگهای در سواحل شرقی چین امتداد یابد. در صورت عملی شدن این طرح چین از موقعیت استراتژیک ویژه‌ای در زمینه انرژی در آسیا برخوردار خواهد شد و می‌تواند نقشی مهم در انتقال نفت و گاز از آسیای مرکزی به بازارهای ژاپن و کره جنوبی ایفا نماید (کولایی و تیشه‌یار، ۱۳۸۹: ۱۲۹).

چین برای تسخیر منابع و بازارهای انرژی آسیای مرکزی با موانع ژئوپلیتیک و سیاسی دشواری و از جمله رویارویی با آمریکا و روسیه مواجه است. این کشور برای بهره‌برداری از منابع گاز روسیه در منطقه سیبری، خواهان عبور خط لوله انتقال گاز به طور مستقیم به چین است؛ با این وصف این کشور اقدام به انعقاد قراردادهای متنوعی با سایر تولیدکنندگان بزرگ منطقه نموده است. از جمله شرکت‌های ملی نفت چین برای اکتشاف منابع نفتی قزاقستان در مناطق شمالی و غربی این کشور و نیز احداث ۳۰۰۰ کیلومتر خط لوله انتقال انرژی به چین، حدود ۹,۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری کرده است. همچنین برای بهره‌برداری از منابع گاز روسیه در اطراف دریاچه بایکال و نیز انتقال خط لوله گاز به طول ۳۴۰۰ کیلومتر، جهت انتقال سالانه ۲۰ تا ۳۰ میلیارد مترمکعب گاز به چین، قراردادی را به ارزش ۱۲ میلیارد دلار با این کشور در سال ۱۹۹۷ منعقد کرده است (Cornelius, Peter, story, Jonathan, 2007:16).

^۱. Xinjiang

^۲. Yuan

^۳. Atasu

همچنین چین برای تقویت جایگاه انرژی خود قرارداد گازی با روسیه امضا کرده است. توافق دو کشور توسط شرکت ملی نفت چین و شرکت روسی گازپروم با حضور ولادیمیر پوتین و شی جین پینگ در ۲۱ می ۲۰۱۴ در حاشیه نشست سازمان همکاری شانگهای امضا شد. مبلغ این قرارداد ۴۰۰ میلیارد دلار و مدت زمان آن ۳۰ سال است. شرکت چینی این قرارداد را «دستاوردی بزرگ در همکاری استراتژیک انرژی» دانست. رسانه‌های روسیه نیز نوشته‌اند که این که براساس این قرارداد هر هزار مترمکعب گاز معادل ۳۵۰ دلار خریداری می‌شود. ناظران سیاسی، تمایل روسیه برای امضای قرارداد عظیم گازی با چین را به دلیل رویارویی روسیه و اروپا در بحران اوکراین مرتبط دانسته و می‌گویند روسیه در پی یافتن گزینه تازه‌ای به جای کشورهای اروپایی در فروش گاز است (Radiozaman, 2014).

ترکمنستان جایی است که چین در آن گام‌های بلندی برداشته است. تنها در سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰، شرکت ملی نفت چین حدود ۲۲۰۰ کیلومتر خط لوله انتقال گاز در آسیای مرکزی احداث کرده است. این خط لوله از "بختیارلیگ" در شمال ترکمنستان شروع شده از ازبکستان و قزاقستان عبور کرده و به سین‌کیانگ ختم می‌شود. شرکت ملی نفت چین همچنین در توسعه میدان یولوتان جنوبی نیز به ترکمنستان کمک می‌کند میدانی که حداقل ۴ تریلیون مترمکعب و احتمالاً حداکثر ۱۴ تریلیون مترمکعب ذخیره گاز دارد (BBC, 1389). همچنین عشق آباد و پکن در ۲۰۰۷ ساخت خط لوله طولانی ۱۸۳۳ کیلومتری گاز چین-آسیای مرکزی را شروع کردند که ازبکستان، ترکمنستان و قزاقستان را به سین‌کیانگ در غرب چین وصل می‌کند (US Energy Information Agency, 2012). در سال ۲۰۱۲، ترکمنستان ۲۱,۳ میلیارد مترمکعب گاز از طریق این خط لوله به چین صادر کرد (BP, 2014). این مقدار حدود نیمی از صادرات کل گاز ترکمنستان و حدود نیمی از واردات کل چین بود. در سپتامبر ۲۰۱۳، چین و ترکمنستان تصمیم گرفتند تا سال ۲۰۲۰ ظرفیت خط لوله چین-آسیای مرکزی را به ۶۵ میلیارد مترمکعب افزایش دهند. علاوه بر این، شرکت ملی نفت چین تنها شرکت خارجی درگیر در توسعه میدان‌های گاز دریایی ترکمنستان است. در ۲۰۱۲، چین به شریک مهم ترکمنستان تبدیل شد، موقعیتی که بیشتر با موافقتنامه‌های گسترده در طول سفر ۲۰۱۳، شی جینگ پینگ به منطقه تامین شد. در مجموع، چند فاکتور می‌تواند موفقیت‌های چین در قزاقستان و ترکمنستان را توضیح دهد. اول، چین می‌تواند بسته‌های حمایت مالی و سرمایه‌گذاری گسترده در مقیاس غیرمحمول برای

شرکت‌های غربی یا برای موسسات روسیه پیشنهاد دهد (O'Neil, 2014). دوم، برخی تحلیلگران مدعی هستند که ریشه‌های موفقیت چین از سیاست عدم مداخله سیاسی‌اش در مسائل داخلی و پذیرش قوانین غیررسمی موجود آن نشات می‌گیرد (Cabestan, 2011). چیزی که برای رهبران آسیای مرکزی جذاب‌تر است این است که استراتژی پکن توسعه پروژه‌های سرمایه‌گذاری است که برای هر دو طرف مفید است و از همه مباحث مربوط به امور سیاسی داخلی اجتناب می‌کند (Gente, 2014). برای چین گاز قزاقستان و ترکمنستان استراتژیک است زیرا به پکن این اجازه را می‌دهد تا وابستگی خود به مسیرهای دریایی انرژی را کاهش دهد. اکنون حدود ۷۰ درصد واردات انرژی چین از طریق تانکرهای نفت و گاز طبیعی مایع تامین می‌شود (EIA, 2014). شروع خط لوله گاز چین-ترکمنستان در سال ۲۰۰۹، یک تغییر تاریخی در صفحه شطرنج انرژی منطقه به نمایش گذاشته است که به انحصارگرایی روسیه در صادرات گاز ترکمنستان پایان داد. در حقیقت، صادرات گاز ترکمنستان به روسیه از ۵۰ میلیارد مترمکعب در ۲۰۰۹ به ۹,۹ میلیارد مترمکعب در ۲۰۱۳، رسید زیرا عشق‌آباد مسیرهای صادراتش را به سمت چین تغییر داده است (BP, 2014: 28). جستجوی انرژی چین در ازبکستان نیز به خوبی صورت گرفت. در ژوئن ۲۰۰۴، زمانی که هو جین‌تائو^۱، رئیس‌جمهور وقت چین از ازبکستان دیدن کرد شرکت ملی نفت چین با ازبکستان قراردادی را در زمینه همکاری نفت و گاز امضا کرد. در ژوئن و سپتامبر ۲۰۰۶، شرکت ملی نفت چین دو قرارداد دیگر برای اکتشاف و توسعه ذخایر انرژی نفت در مناطق واقع در سواحل دریاچه آرال^۲ با مشارکت (شرکت لوک اویل روسیه، شرکت پتروناس مالزی^۳ و شرکت ملی نفت کره جنوبی) با ازبکستان امضا کرد. قرقیزستان نیز کمک شرکت‌های چینی را در فعالیت‌های نفتی اگرچه در مقیاس کمتر، دریافت کرد (Xuanli, 2006: 67). تلاش برای امنیت انرژی، مشارکت چین در آسیای مرکزی را افزایش داده است. پیش‌بینی شده است که تقاضای چین برای نفت وارداتی از نیاز فعلی ۶۰ میلیون تن به ۲۵۰-۳۰۰ میلیون تن تا ۲۰۲۰ افزایش یابد (Gen and Klimengo, 2005:49). در مجموع، تلاش برای تسلط بر محیط استراتژیک و منابع انرژی منطقه از طریق توسعه همکاری‌های تجاری و سرمایه‌گذاری‌های

¹. Hu Jintao

². Ural

³. PETRONAS

زیربنایی با هدف فراهم آوردن بستری مناسب برای انتقال خطوط لوله انرژی کشورهای قزاقستان و ترکمنستان به سوی چین، همچنین مقابله با زیاده خواهی روسیه در آسیای مرکزی و سلطه این کشور بر منابع انرژی منطقه از طریق ارائه پیشنهادهای پرسودتر و به چالش کشیدن چیرگی آمریکا هدف‌هایی است که پکن در سالهای اخیر با جدیت بیشتر دنبال کرده است (Bilgin, 2009: 6).

نتیجه‌گیری

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، منابع انرژی آسیای مرکزی و انتقال آن، سبب رقابت بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شده و عامل مهمی در شکل‌گیری استراتژی‌ها و سیاست‌های ژئوپلیتیک در این حوزه شمرده می‌شود که می‌توان آنرا بازی بزرگ جدید نامید. از آنجا که عموماً قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی خود از مصرف‌کنندگان اصلی منابع انرژی دریای خزر می‌باشند لذا نقش تعیین‌کننده‌ای در چرخه صدور انرژی آسیای مرکزی به بازار مصرف از طریق دولت‌های ترانزیت‌کننده انرژی دارند. به همین خاطر، مبارزه طرف‌های نفع‌برنده در منطقه برای پیشنهاد مسیرهای غیرمنطقی انتقال انرژی برای کسب نفوذ سیاسی و حفظ سیادت خود بر منطقه همچنان ادامه دارد. تلاش روسیه برای تبدیل شدن به یک بازیگر مؤثر بین‌المللی در عرصه انرژی و نیز روند رو به رشد نقش و مشارکت قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی در قلمرو تحولات انرژی به خوبی بیانگر جایگاه ممتاز آسیای مرکزی در این زمینه می‌باشد. روسیه به وسیله شبکه حمل و نقل دوران شوروی به دنبال بازسازی نفوذ خود در آسیای مرکزی بوده است. عملکرد این کشور در بخش انرژی ماهیت امنیتی- استراتژیک داشته و شرکت‌های نفت و گاز روسیه مهم‌ترین عامل برای تبدیل این کشور به بازیگری عمده در بازارهای نفت و گاز بوده‌اند. روسیه با دیدگاه انحصارگرایانه‌ای که همواره به آسیای مرکزی داشته، این منطقه را بخشی از حوزه نفوذ سنتی خود دانسته و به طور سنتی و انحصاری مسیر اصلی صدور نفت و گاز این کشورها به سوی غرب را در اختیار داشته است. روس‌ها، آسیای مرکزی را خارج نزدیک خود می‌دانند و با منحصر کردن تمام مسیرهای صادرات از سرزمین خود، مایلند که نفوذ و کنترل سنتی خود را بر کشورهای تازه استقلال یافته حفظ کنند. اما برنامه قزاقستان و ترکمنستان برای استقلال از مسکو و یافتن راه‌های جایگزین برای انتقال منابع انرژی به اروپا و چین سبب شده تا تسلط روسیه در انرژی آسیای

مرکزی در آینده در هاله‌ای از ابهام قرار گیرد. آمریکا نیز یکی از قدرت‌های اصلی صاحب نفوذ در منطقه است که نقش انرژی را برای پیشبرد اهدافش مدنظر قرار داده است. رشد وابستگی آمریکا به واردات نفت از منابع خارجی موجب شده است که همواره مناطق دارای ذخایر غنی انرژی در سیاست خارجی این کشور از اهمیت بالایی برخوردار باشند. بر این اساس، آمریکا در تلاش است تا از رهگذر تنوع بخشی به کشورها و مناطق تأمین کننده انرژی آن کشور و نیز توجه بیشتر به امنیت عرضه انرژی از آسیب پذیری خود در این عرصه بکاهد. منطقه خزر با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک خود و قرار گرفتن در کنار روسیه و ایران یکی از اولویت‌های آمریکا در استراتژی جهانی انرژی به شمار می‌آید. آمریکا که به عنوان رقیب جدی در منطقه وارد شده است، طرفدار مسیریایی است که در راستای اهداف درازمدت و علائق ژئوپلیتیک خود به محدود کردن نقش واقعی و اصولی روسیه و ایران در منطقه منجر شود. اگرچه رقابت اصلی در انرژی آسیای مرکزی بین روسیه و آمریکا در جریان است، چین نیز به عنوان قدرت نوظهور فعالیت‌های گسترده‌ای را برای تسلط بر منابع انرژی منطقه ترتیب داده است. شرکت‌های چینی در ساخت خطوط لوله، جاده‌ها و راه‌آهن مورد نیاز برای حمل منابع انرژی به سوی چین بسیار فعال بوده‌اند. سیاست‌های چین در منطقه تاثیرات مثبتی داشته است و تمایل کشورهای منطقه را به همکاری با چین برانگیخته است. پکن میلیاردها دلار در انرژی منطقه سرمایه‌گذاری کرده و این سرمایه‌گذاری‌ها با استقبال جمهوری‌های آسیای مرکزی مواجه شده است. چین در این منطقه از یک مجموعه مزیت‌ها نسبت به روسیه به عنوان بزرگترین بازیگر منطقه‌ای و نیز نسبت به بازیگران فرامنطقه‌ای یعنی آمریکا و اتحادیه اروپا برخوردار است. به عنوان مثال دولت‌های آسیای مرکزی همسایگی با چین را به عنوان یک ظرفیت بالقوه برای صادراتشان در نظر می‌گیرند. در عین حال، پکن هرگز از سیاست‌های داخلی جمهوری‌های آسیای مرکزی انتقاد نکرده و این می‌تواند عامل مهمی در بهبود روابط چین با این کشورها تلقی شود؛ امری که در مورد کشورهای غربی نمی‌توان آن را بیان کرد. با فعالیت‌های امروز چین در آسیای مرکزی به نظر می‌رسد که این امر بیشتر برای هموار کردن زمینه بازی موثر چین در این منطقه انجام شده و پکن را در عرصه بازی بزرگ جدید در آسیای مرکزی به برنده اصلی تبدیل کرده است.

منابع و مأخذ

- اطاعت، جواد و حمیدرضا نصرتی (زمستان و بهار ۸۸-۱۳۸۷)، "ایران و خطوط انتقال انرژی حوزه خزر"، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، سال دوم، شماره ۳.
- امیراحمدیان، بهرام (۱۳۸۳)، "جغرافیای آسیا"، فصلنامه فرهنگ/اندیشه، شماره ۹.
- امیراحمدیان، بهرام و روح اله صالحی دولت‌آباد (زمستان ۱۳۹۲)، "اهداف و راهبردهای سیاست خارجی چین در آسیای مرکزی"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۴.
- ترابی، قاسم (تابستان ۱۳۹۲)، "حضور ناتو در آسیای میانه و قفقاز و امنیت جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال نهم، شماره بیست و سوم، ۱۹۶-۱۶۳.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*، مشهد: پاپلی.
- داداندیش، پروین (۱۳۸۶)، "گفتمان ژئوپلیتیک در آسیای مرکزی: عرصه‌های تعامل ایران و روسیه"، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۱.
- رابرتز، جان (۵ تیر ۱۳۸۹)، "رقابت بر سر منابع انرژی آسیای میانه"، بی بی سی.
- شفیع، نوذر (تیر ۱۳۸۸)، "بازی بزرگ جدید قدرت‌ها در آسیای مرکزی".
- Available at: <http://drshafiee.blogfa.com/post-141.aspx>, Accessed on: 23 May 2015.
- کمپ، جفری و رابرت هارکاو (۱۳۸۳)، *جغرافیای استراتژیک خاورمیانه*، ترجمه سیدمهدی حسینی متین، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کولایی، الهه (۱۳۸۷)، "ژئوپلیتیک انتقال نفت از قفقاز"، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، سال اول، شماره یک.
- کولایی، الهه (۱۳۸۹)، *سیاست و حکومت در اوراسیای مرکزی*، تهران: سمت.
- کولایی، الهه (۱۳۸۹)، *بازی بزرگ جدید در آسیای مرکزی*، چاپ دوم، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران.
- کولایی، الهه و ماندانا تیشه یار (بهار ۱۳۸۹)، "مطالعه تطبیقی رهیافتهای امنیت انرژی چین و ژاپن در آسیای مرکزی"، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۱.
- کولایی، الهه و حمیدرضا عزیززی (پاییز و زمستان ۱۳۸۹)، "نقش انتقال انرژی در روابط ترکمنستان با روسیه"، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، سال سوم، شماره ۷.
- صادقی، سید شمس‌الدین (بهار و تابستان ۱۳۹۲)، "ایران و تعامل‌های اقتصاد سیاسی انرژی در آسیای مرکزی"، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، سال ششم، شماره ۱۲.

- عطایی، فرهاد و اعظم شیبانی (بهار و تابستان ۱۳۹۰)، "زمینه‌های همکاری و رقابت ایران و روسیه در آسیای مرکزی در چارچوب ژئوپلتیک"، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال چهارم، شماره ۸.

- فرجی راد، عبدالرضا و مریم شعبانی (پاییز ۱۳۹۲)، "سیاست روسیه در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز و چالشهای فراروی آن پس از جنگ سرد"، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، سال دهم، شماره ۳۹.

- گودرزی آتوسا و روح اله صالحی دولت آباد (تابستان ۱۳۹۲)، "نفوذ اقتصادی روسیه در آسیای مرکزی بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۲.

- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران، سمت.
- ملکی، عباس (زمستان ۱۳۸۶)، "امنیت انرژی و درس‌هایی برای ایران"، مجله راهبرد یاس، شماره ۱۲.

- عزتی، عزت‌اله (۱۳۸۶)، نظریه‌های جدید جغرافیایی سیاسی، نشر قومس.
- واعظی، محمود (اردیبهشت ۱۳۹۲)، "راهبردهای نوین رقابتی در آسیای مرکزی و قفقاز"، فصلنامه مرکز تحقیقات استراتژیک.
- واعظی، محمود (۱۳۸۸)، "دیپلماسی اقتصادی ایران با تاکید بر نقش انرژی"، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، پژوهش ۱۷.

- ویسی، هادی (تابستان ۱۳۸۸)، "جایگاه خلیج فارس در تحولات ژئواکونومی جهان (مطالعه موردی: صادرات گاز طبیعی ایران)"، فصلنامه علوم سیاسی، سال دوازدهم، شماره ۴۶.

- Bara, Zeyno (May 2007), "EU Energy Security: Time to End Russian Leverage", *The Center for Strategic and International Studies and the Massachusetts Institute of Technology*.

- Barton, Barry (2004), "Energy Security: Managing Risk in a Dynamic Legal and Regulatory Environment", *New York: Oxford*.

- BBC News (December 2009), "China President Opens Turkmenistan Gas Pipeline", Available at: <http://news.bbc.co.uk/2/hi/asia-pacific/8411204.stm>, Accessed on: 25 August 2015.

- Bergsager, H. (2012), "China, Russia and Central Asia: The energy dilemma (FNI Report 16)", *Polhøgda: Fridtjof Nansens Institutt*, Available at: <http://www.fni.no/doc&pdf/FNI-R1612.pdf>. Accessed on: 12 June 2015.

- Berkofsky, Axel (July 2012), "China's Strategic Involvement in Central Asia-Strategies, Results and Obstacles", *Institute PerGli Studi Di Political Internazionale*, No.128.
- Biello, David (August 2008), "China's Big Push for Renewable Energy", *Scientific American*, Available at: [http:// www. scientificamerican.com/article/chinas-big-push-for-renewable-energy/](http://www.scientificamerican.com/article/chinas-big-push-for-renewable-energy/) Accessed on: 31 August 2015.
- Bhadrakumar, M. K (2006), "The Geopolitics of Energy: Russia Sets The Pace in Energy Race", Available at: www.japanfocus.org/products/topdf/2230. Accessed on: 1 July 2015.
- Bhutta, Z. (2013, November 2), "Transnational Project: Chevron, ExxonMobil Keen on Running TAPI Pipeline", *The Express Tribune*, Available at: <http://tribune.com.pk/story/625900/transnational-projectchevron-exxonmobil-keen-on-running-tapi-pipeline>, Accessed on: 20 June 2015.
- Blank, Stephen (2010), "The Strategic Implications of the Turkmenistan-China Pipeline Project", *China Brief*, No. 3.
- British Petroleum (2010), "Statistical Review of World Energy", Available at: [http:// www.bp.com](http://www.bp.com), Accessed on: 29 June 2015.
- BP (2014), "Statistical Review of World Energy", Available at: [http:// www.bp.com/content/dam/bp/Energy-economics](http://www.bp.com/content/dam/bp/Energy-economics). Accessed on: 12 July 2015.
- British Petroleum (June 2014),"Statistical Review of World Energy", Available at: <http://www.bp.com/content/dam/bp/pdf/energy-economics/statistical-review-2014/bp-statistical-review-of-world-energy-2014-full-report.pdf>. Accessed on: 30 August 2015.
- Cabestan, J. (September 2011), "Energy Cooperation between China and Central Asia". In *China analysis*, Available at:http://www.centreasia.eu/sites/default/files/publications_pdf/china_analysis_the_new_game_in_central_asia_september2011.pdf, Accessed on: 14 July 2015.
- Cheng, Joseph Y. S (2008), "A Chinese View of China's Energy Security", *Journal of Contemporary China*, Vol. 17, No. 55.
- Cornelius, Peter and Story, Jonathan (2007), "Chin and Global Energy Markets", *Orbis*, Vol. 51, No. 1.
- Correlje, Aad and Van der linde, Coby (2006), "Energy Supply Security and Geo-Politics: A European Perspective", *Energy Policy*, Vol. 34, No. 5.
- Daly, J. C. (2014 May 21), "Kazakhstan's Kashagan oil fields faces problems and Soaring Costs", *The CACI Analyst*, Available at: [http:// www.cacianalyst.org/publications/analytical-articles/item/12981-kazakhstans-kashagan-oil-fields-faces-problems-and-soaring-costs.html](http://www.cacianalyst.org/publications/analytical-articles/item/12981-kazakhstans-kashagan-oil-fields-faces-problems-and-soaring-costs.html). Accessed on: 20 June 2015.

- Decaux, E. (2003), "OSCE Rapporteur's report on Turkmenistan", *Vienna: Organisation for Security and Co-operation in Europe*, Available at: <http://www.osce.org/odihr/18372?download=true>, Accessed on: 5 July 2015.
- Energy Information Administration (EIA) (2011), "Iran Energy Profile", Available at: <http://www.eia.doe.gov>, (Accessed on: 10/10/2012).
- Energy Information Administration (EIA) (2012), "Uzbekistan Energy Profile", Available at: <http://www.eia.doe.gov>, (Accessed on: 16 July 2015).
- Energy Information Agency (2012), *Country analysis briefs: Turkmenistan*, Available at: <http://www.eia.gov/countries/analysisbriefs/cabs/Turkmenistan/pdf>. Accessed on: 4 July 2015.
- Estrada, Aurelia Mane (2006), "European Energy: Towards the Creation of the Geo-energy Space", *Energy Policy*, Vol. 34, No. 5.
- Fabio, Indeo (February 2014), "Kazakhstan and Turkmenistan, Strategic Energy Partners for China", *Energy Policy Group (EPG)*.
- Financial Times (January 13, 2015), China's Oil imports Climb above 7m Barrels a Day for First time, Available At: <http://www.ft.com/cms/s/0/78f88222-9aff-11e4-882d-00144feabdc0.html>. Accessed on: 16 August 2015.
- Garrison, J. A. & Abdurahmonov, A. (2011), "Explaining the Central Asian energy game: complex interdependence and how small states influence their big neighbors", *Asian Perspective*, 35(3).
- Gente, R. (2014, January 24), "Is Russia Abandoning Turkmenistan? Chronicles of Turkmenistan". Available At: <http://www.chrono-tm.org/en/2014/01/is-russia-abandoning-turkmenistan>, Accessed on: 26 June 2015.
- Glassner Martin and Fahrer, Chuck (2004), "Political Geography", (*USA: John Wiley & sons, inc*).
- Helman, C. (November 2012), "ConocoPhillips to Flee Kazakhstan with \$5 Billion Sale", Available at: <http://www.forbes.com/sites/christopherhelman/2012/11/26/conocophillips-to-fleekazakhstan-with-5-billion-sale>, Accessed on: 20 June 2015.
- IEA (2005), www.iea.com.
- International Business Publications (2009), "Turkmenistan. Mineral, Mining Sector Investment and Business Guide", Strategic information and regulations. *Washington, DC: International Business Publications*.
- International Energy Agency (November 7, 2008), World Energy Report, Energy Bulletin, Available at: <http://www.energybulletin.net/hode/47128>, Accessed on: 12 July 2015.
- Keohan, Robert O (2002), "After Hegemony: Cooperation and Discord in the World Political Economy", *New Jersey, Princeton University Press*.

- Koolae, Elaheh and Mandana Tishehyar (2009), "China's Energy Security Approach in the Central Asia", *International Conference on Eurasian Peace and Cooperation: Challenges and Opportunities, Kashmir, University of Kashmir*.
- Kreft, Heinrich (2006), "China's Energy Security Conundrum", *The Korean Journal of Defense Analysis*, Vol. XVIII, No.3.
- Kubicek, P. (2013), "Energy Politics and Geopolitical Competition in the Caspian basin", *Journal of Eurasian Studies*, 4(2).
- Luttwak, Edward. N (1990), "from geopolitics to Geo Economics: Logic of Conflict, Grammar of Commerce from the National Interests, In o tuathail, G & others". *The Geopolitics Reader, London Routledge*.
- Mankoff, J. (2013), "The United States and Central Asia after 2014", *Washington, DC: Center for Strategies and International Studies*, Available at: http://csis.org/files/publication/130122_Mankoff_USCentralAsia_Web.pdf , Accessed on: 4 July 2015.
- Mankoff, Jeffrey (February 2009), "Eurasian Energy Security", *Council Special Report*, No. 43, Available at: www.cfr.org/content/publications, Accessed on: 30 June 2015.
- Marat, Erica (2010), "China Seeks to Link Central Asia by Railroad", *Jamestown Foundation*, Vol.7, No. 30.
- Nanay, J. & Smith Stegen, K (2012), "Russia and the Caspian region: Challenges for Transatlantic Energy Security?" *Journal of Transatlantic Studies*, 10(4).
- Nandakumar, Janardhanan (2009), "China's Search for Energy and its Strategy towards Central Asia", *Global Data – DMV Business and Market Research, Hyderabad, India, International Journal of Energy Sector Management*, Vol. 3, No. 2.
- National Development and Reform Commission People's Republic of China (June 2007), *China's National Climate Change Programme*.
- Nervins, Joseph (2004), "Resource Conflicts in a New World Order", *Geopolitics*, Vol. 9, No. 1.
- Norling, N. (2014, November 11), "Kazakhstan's Deepening Ties with Europe", *The CACI Analyst*, Available at: <http://www.cacianalyst.org/publications/analytical-articles/item/13091-kazakhstans-deepening-ties-with-europe.html>, Accessed on: 19 July 2015.
- Olcott, M. B. (2013), "China's Unmatched Influence in Central Asia", *Carnegie Endowment for International Peace*, Available at: <http://carnegieendowment.org/2013/09/18/china-s-unmatched-influencein-central-asia/gnky>, Accessed on: 20 June 2015.
- O'Neill, D. (2014), "Risky business: the political economy of Chinese investment in Kazakhstan", *Journal of Eurasian Studies*, 5(2).

- Orttung, R. W, & Overland, I. (2011), "A limited toolbox: explaining the constraints on Russia's foreign energy policy", *Journal of Eurasian Studies*. 2(1).
- Overland, Indra (3 March 2009), "Natural Gas and Russia–Turkmenistan Relations", *Russian Analytical Digest*, No.56/o9.se2.isn.ch/serviceengine/Files/.../Russian_Analytical_Digest_56.pdf. Accessed on: 3 September 2015.
- Pascual, Carlos (January 2008), "The Geopolitics of Energy: From Security to Survival", *Brookings Institution*, Available at: www.brookings.edu/papers/2008/01_energy_pascual.aspx, Accessed on: 15 June 2015.
- Petersen, Alexanderes (2011), "China, Russia and Geopolitics of Energy in Central Asia", *EUCAM, Working Paper, London: Center for European Reform*.
- Policy Statement Energy Security (May 2007), *International Chamber of Commerce*, Available at: www.iccwbo.org/.../Policy%20Statement%20Energy%20Security.pdf, Accessed on: 8 July 2015.
- Pradetto, A. (2012), "Zentralasien und die Weltmächte, oder: Great Game Boys auf Reisen", *Frankfurt: Main: Peter Lang Verlag*.
- Rywkan, M. (2005), "Stability in Central Asia: Engaging Kazakhstan, A Report on US interests in Central Asia and US-Kazakhstan Relations", *National Committee on American Foreign Policy, New York*, Available at: www.ncafp.org, Accessed on: 12 June 2015.
- Smith, Stegen Karen and Julia, Kuszniir (2015), "Outcomes and Strategies in the 'New Great Game: China and the Caspian States emerge as Winners", *Journal of Eurasian Studies*.
- Smith, Stegen, K. (2015), "Understanding China's Global Energy Strategy", *International Journal of Emerging Markets*, 10(3) (in press).
- Smith, Keith C. (January 2006), "Security Implications of Russian Energy Policies", *CEPSP (Centre for European Policy Studies)*, Vol. 4, No. 41. Available at: <http://www.ciaonet.org/pbei/ceps/cep038/cep038.pdf>, Accessed on: 25 June 2015.
- Socor, V. (2009, April 21), "Turkmenistan delays Russian pipeline project and rejects Russian-led gas cartel", *Eurasia Daily Monitor*, 6(76), Available at: http://www.jamestown.org/single/?no_cache/41&tx_ttnews%5Btt_news%5D%34884#.VOyL-i6fYQo, Accessed on: 5 July 2015.
- Standish, R. (2014, June 19), "Hungry for Gas, China Muscles onto Russianturf", *Foreign Policy*, Available at: <http://foreignpolicy.com/2014/06/19/hungry-for-gas-china-muscles-onto-russianturf>, Accessed on: 15 July 2015.
- Starr, F. S. (2014), "Looking forward: Kazakhstan and the United States", *Washington, DC: Central Asia-Caucasus Institute & Silk Road Studies Program*,

- Available at: <http://www.silkroadstudies.org/resources/pdf/publications/SRP-1409Kazakhstan.pdf>, Accessed on: 11 June 2015.
- Stina, Torjesen (3 March 2009), "Russia and Kazakhstan: A Special Relationship", *Russian Analytical Digest*, 56/09, Available at: www.fni.no/russcasp/RAD-56.pdf, Accessed on: 26 June 2015.
 - Stringer, Kevin, D. (2008), "Applying a Portfolio Approach", *Baltic Security and Defence Review*, Vol. 10.
 - U.S. Department of Defense (2007), Military power of the People's Republic of China, *Washington, D.C, Annual Report to Congress*.
 - U.S. Energy Information Administration (4 February 2014), China, *Country Analysis Brief*, Available at: <http://www.eia.gov/countries/cab.cfm?fips=CH>, Accessed on: 23 June 2015.
 - US Department of State. (2014), "US support for the New Silk Road", Available at: <http://www.state.gov/p/sca/ci/af/newsilkroad>, Accessed on: 14 June 2015.
 - US Energy Information Agency (2012), Country analysis briefs: Turkmenistan, Available at: <http://www.eia.gov/countries/analysisbriefs/cabs/Turkmenistan/pdf.pdf>, Accessed on: 16 June 2015.
 - US Energy Information Agency (2013), *Country Analysis Briefs: Kazakhstan*, Available at: <http://www.eia.gov/countries/analysisbriefs/Kazakhstan/kazakhstan.pdf>, Accessed on: 26 June 2015.
 - Uzbekistan: Russian for Gas Development" (February 12, 2009), *Eurasia Net*, Available at: <http://www.eurasianet.org/departments/news/articles/eav021209d.shtml>, Accessed on: 20 July 2015.
 - Vasanczki, L. Z. (2011), "Gas exports in Turkmenistan", *Paris: Institut Français des Relations Internationales*, Available at: <https://www.ifri.org/sites/default/files/atoms/files/noteenergielvasanczki.pdf>, Accessed on: 12 July 2015.
 - Walthe (12 September 2006), "Arne Global Energy Security", *International Energy Forum (IEF)*, Available at: www2.iefs.org.sa/Speeches/Pages/GlobalEnergySecurityNamulitPolarergyworld.aspx, Accessed on: 8 July 2015.
 - WWW.Gasprom.com. 2008
 - Truscot, Peter (2009), "European Energy Security", *Royal United Institute for Defence and Security Studies, London: Routledge*.
 - US Energy Information Agency (2013), Country analysis briefs: Kazakhstan, Available at: <http://www.eia.gov/countries/analysisbriefs/Kazakhstan/kazakhstan.pdf>, Accessed on: 12 July 2015.